

## ارزیابی اثر بخشی عوامل مختلف جامعه پذیری دینی، درجه دینداری و سایر عوامل در پیشگیری از جرایم اقتصادی

محمود شهابی<sup>۱</sup>

### چکیده:

هر چند فساد اداری و جرایم اقتصادی در بسیاری از کشورها رخ می دهند اما در سال های اخیر این روند در ایران مورد توجهی جدی تر قرار گرفته است. در مقاله حاضر نتایج یک پیمایش مقطعی با هدف بررسی همبسته های مختلف جرایم یقه سفیدها هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی ارائه شده است. چارچوب نظری این مقاله از تلفیق چند نظریه رقیب یا بدیل شکل گرفته است. این نظریه ها عبارتند از: نظریه ترس از آتش دوزخ از هیرشی و استارک، نظریه همبسته های شخصیتی جرایم یقه سفیدها از کالینز و اشمیت، نظریه جامعه شناختی فساد از جیمز ویلیام کلمن و بالاخره نظریه اقتصادی جرایم یقه سفیدها یا نظریه انتخاب عقلانی از کورنیش و کلارک. به منظور آزمون فرضیه های مستخرج از این نظریه ها، یک نمونه معرف ۱۲۰ نفری از زندانیان جرایم اقتصادی محبوس در زندان اوین انتخاب شدند و با توجه به ماهیت تحقیق که از نوع علی-مقایسه ای یا نیمه آزمایشگاهی بود یک گروه ۱۲۰ نفری دیگر از فعالان اقتصادی و کارکنان دولت نیز به عنوان گروه همتابه پرسشنامه های تحقیق پاسخ دادند. پرسشنامه های مربوط به هر دو گروه مجرم و غیر مجرم در اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۱ اجرا شدند. نتایج تجزیه و تحلیل رگرسیون لجستیک ۷۵ درصد از واریانس بین دو گروه مجرم و غیر مجرم را تبیین کرد. بر اساس این تجزیه و تحلیل، مجرمان اقتصادی مورد مطالعه علیرغم بر خورداری از دینداری و سابقه جامعه پذیری دینی دست به ارتکاب جرم زده اند. به عبارت دیگر بین این دو گروه، از نظر سطح جامعه پذیری دینی و درجه دینداری تفاوت معنی داری مشاهده نشد. به علاوه مجرمان اقتصادی مورد بحث در تحلیل هزینه-فایده جرم در لحظه ارتکاب آن، احتمال کشف جرم و قطعیت و شدت مجازات را بسیار کم تر (در مقایسه با گروه غیر مجرم) برآورد کرده بودند و بالاخره اینکه درک آنان در لحظه ارتکاب جرم این بوده است که فرصت ارتکاب جرم در محل کار مهیا است و باید آن را مغتنم شمرد. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیونی، وجود فرصت ارتکاب جرم اقتصادی در محل کار و دست کم گرفتن احتمال کشف جرم و قطعیت و شدت مجازات مهم ترین عوامل مؤثر یا پیش بینی کننده ارتکاب جرایم اقتصادی محسوب می شوند. در مجموع رویکردهای جامعه شناختی و اقتصادی (که بر بازدارنده های بیرونی یا محیطی تاکید می کنند) می توانند تفاوت بین دو گروه مجرم و غیر مجرم را تبیین کنند.

**واژگان کلیدی:** جرایم اقتصادی، عوامل جامعه پذیری دینی، ادراک از فرصت ارتکاب

**جرم، ادراک از احتمال کشف جرم**

## مقدمه:

در خصوص پیشگیری یا بازدارندگی از جرایم اقتصادی دو دیدگاه کلی وجود دارد. یکی بر ترس از مجازات الهی یا اخروی (که خود محصول عملکرد عوامل جامعه پذیری دینی در تقویت درجه دینداری است) به عنوان عامل بازدارنده درونی و پیشگیری کننده از جرم تأکید می‌کند و دیگری بر ترس از مجازات قانونی یا دنیوی و از بین بردن فرصت ارتکاب جرم به عنوان عامل بازدارنده بیرونی یا محیطی تأکید می‌کند. مطابق با دیدگاه اول برخی از جامعه شناسان بر اساس مدل ساختی - کارکردی، نقشی مهم برای دین قائل شده بر کارکردهای دین برای حفظ الگو و یکپارچگی اجتماعی تأکید کرده و آن را منبع شکل‌گیری ارزش‌های مرکزی یک جامعه که وفاق اجتماعی مرهون آن است دانسته‌اند. مطابق با این دیدگاه دین هم برای فرد و هم برای جامعه کارکردهایی را ایفا می‌کند. برای فرد، دین به سؤال‌هایی در خصوص ماهیت و هدف از خلقت انسان و جهان پاسخ می‌دهد. نیازهای عاطفی انسان (نیاز به حمایت و اطمینان در زمان بحران و بروز مشکل) را تأمین می‌کند، کدها یا اصول اخلاقی خاصی را برای هدایت رفتار در اختیار فرد قرار می‌دهد، حس تعلق به اجتماع را در فرد ایجاد می‌کند. برای جامعه نیز دین کارکردهای مهمی را ایفا می‌کند. برخی از این کارکردها عبارتند از ایجاد حس تعلق و همبستگی اجتماعی در یک گروه اجتماعی، کنترل اجتماعی رفتارهای ضد اجتماعی از طریق ایجاد ترس از «گناه» و تقویت اخلاقیات و هنجارهای جامعه از طریق وعده مجازات‌های اخروی.

«شرکت و الیسون» نتایج و آثار اجتماعی دین را در چهار مقوله دسته‌بندی کرده‌اند: اثر دینداری بر باورها و تعهدات سیاسی، روابط خانوادگی، بهداشت و سلامت، سرمایه اجتماعی. این دو محقق تأثیر دین در بازدارندگی افراد از ارتکاب جرم و انحراف را در ذیل مقوله چهارم (سرمایه اجتماعی) مورد توجه قرار داده‌اند. تحقیقات انجام شده در خارج از کشور حاکی از آن است که قدرت بازدارندگی دین به پنج دلیل برمی‌گردد. اول به دلیل درونی شدن هنجارها و پیام‌های اخلاقی، دوم به دلیل ترس افراد از عقوبت الهی (همان اثر ترس از آتش دوزخ)، سوم به دلیل تهدید مجازات‌های اجتماعی از سوی هم‌دینان، چهارم میل به تأیید از سوی گروه‌های مرجع در درون اجتماع‌های دینی، و پنجم قرار نگرفتن فرد در معرض دل‌مشغولی‌های منحرفانه (یا نداشتن وقت برای چنین دل‌مشغولی‌هایی) به دلیل سرگرم بودن افراد در فعالیت‌ها و شبکه‌های دینی (Sherkat and Ellison, 1999: 369). بنابراین در تحقیق حاضر منظور از بازدارنده‌های درونی یا دینی، اثرات دینداری و عملکرد دینی نهادهای مسوول جامعه‌پذیری دینی بر پیشگیری یا بازدارندگی از جرایم اقتصادی

است.

از طرف دیگر دین و دینداری در برخی از نظریه‌های کلاسیک جامعه شناختی چندان جدی گرفته نشده است و تجربه مدرنیته در دنیای غرب باعث شده که عده‌ای از جامعه‌شناسان از کاهش اقتدار نهادهای دینی یا کاهش کارکرد دین تحت تأثیر فرایند نوسازی خبر دهند. در مورد جامعه ایرانی نیز به رغم تلاش همه دستگاه‌های متولی ترویج دینداری و تبلیغات دینی، نگرانی‌هایی در خصوص وضعیت دینداری مردم از سوی مسوولان و مدیران فرهنگی کشور ابراز شده است. به زعم عده‌ای از مدیران فرهنگی کشور در حال حاضر بین اهداف برنامه‌های دینی اجرا شده در سه دهه اخیر و «نتایج» آن‌ها در جامعه فاصله وجود دارد. آنان معتقدند که «نتایج تربیت دینی» باید «در سطح جامعه» و به شکل کاهش میزان شیوع و بروز ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در جامعه بروز و ظهور پیدا کند. این دغدغه‌ها در سال‌های اخیر دو چندان شده است چرا که ادعا می‌شود که بین دینداری و درجه ارتکاب جرم همبستگی معنی داری (همبستگی منفی یا معکوس) مشاهده نمی‌شود. به عبارت دیگر گفته می‌شود بین اهداف تبلیغات دینی و نتایج مورد انتظار از آن در جامعه فاصله دیده می‌شود به طوری که اثرگذاری تبلیغات دینی بر کاهش جرم و انحراف مورد تردید واقع شده است. بر همین اساس عده‌ای از صاحب نظران برای پیشگیری یا بازدارندگی از جرایم اقتصادی بر بازدارنده‌های بیرونی یا محیطی تأکید می‌کنند. این دسته از صاحب نظران بر این باورند که برای مبارزه با فساد یا جرایم اقتصادی باید ساختارها و قواعد رفتار اقتصادی اصلاح شود تا فرصت ارتکاب جرم به حداقل برسد و نظام قضایی در جامعه به گونه‌ای عمل کند که تلقی و ادراک کنشگران از احتمال کشف جرم، قطعیت مجازات و شدت مجازات را تحت تأثیر قرار دهد به نحوی که در تحلیل هزینه - فایده جرم از سوی کنشگران، هزینه‌های برآورد شده بیش از فواید برآورد شده از ارتکاب جرم ادراک شده باشند.

تحقیق حاضر با هدف ارزشیابی اثربخشی بازدارنده‌های درونی و بیرونی در پیشگیری از جرایم اقتصادی اجرا شده است.

مرور سوابق تجربی، تدوین چارچوب نظری و فرضیه‌های تحقیق:

در تحقیق حاضر فرآیند جامعه‌پذیری رسمی و غیر رسمی و درجه دینداری افراد از لحاظ قدرت بازدارندگی از جرم در کنار سایر بازدارنده‌ها (قدرت بازدارندگی متغیرهای مستخرج از نظریه‌های رقیب) در یک چارچوب واحد مورد بررسی واقع شده‌اند. در این چارچوب، بازدارنده‌های درونی با الهام از فرضیه معروف «ترس از آتش جهنم» که اولین بار توسط هیرشی و استارک

مطرح شد آزمون شده‌اند. بر طبق این فرضیه افرادی که معتقد به وجود شیطان و حیات پس از مرگ هستند به خاطر ترس از مجازات‌های اخروی کم‌تر احتمال دارد که مرتکب رفتار منحرفانه‌ای شوند (Hirschi & Stark, 1969:202-203). «هریس» (۲۰۰۳) در مقاله‌ای استدلال کرد که اگر ترس از مجازات‌های اخروی پس از مرگ می‌تواند فرد را از رفتار منحرفانه باز دارد پس ترس از عقوبت و مجازات الهی در طول حیات نیز می‌تواند فرد را از ارتکاب جرم و انحراف بازدارد. هریس «فرضیه عقوبت الهی این جهانی» را با تجزیه و تحلیل داده‌های پیمایش پرسشنامه‌ای بر روی ۱۳۹۳ نوجوان عضو کلیسایی در آمریکا آزمون کرد و به این نتیجه رسید که کسانی که معتقدند به وجود یک خدای قدرتمند و علیم که افراد را به خاطر عدم درستکاری شان در این جهان مجازات می‌کند کم‌تر قصد ارتکاب جرم در آینده را دارند. بنابراین فرضیه «ترس از عقوبت الهی این جهانی» تأیید شد (Harris, 2003).

«همادون» یکی از محققان بلژیکی در مقاله‌ای پژوهشی با عنوان «ترس از خدا یا از انسان: تأثیر دین بر نگرش نسبت به تقلب و استفاده رایگان از وسایل حمل و نقل عمومی» ضمن تأیید تجربی نظریه عواطف اخلاقی آدام اسمیت به این نتیجه رسیده است که دین از طریق مؤلفه باور به وجود خدا بر نگرش نسبت به تقلب و استفاده رایگان از وسایل حمل و نقل عمومی تأثیر می‌گذارد. اما چنین تأثیری در کشورهایی مشاهده شده است که تصورشان از خداوند یک موجود فعال، مجازات‌گر و قضاوت‌کننده بوده است و نه یک موجود انتزاعی و دست‌نیافتنی. بنابراین همچون تحقیقات قبلی، در تحقیق فوق معلوم شده است که ترس از یک خدای خبیر و جزا دهنده، بر ادراک افراد از هزینه و فایده مترتب بر رفتارهای غیر اخلاقی مؤثر است. البته بین افراد مذهبی و غیر مذهبی از نظر اخلاقی تفاوتی مشاهده نشده است هر دو در نگرش شان نسبت به فعالیت‌های متقلبانه تحت تأثیر برآورد هزینه و فایده بوده‌اند. افرادی که از مجازات می‌ترسند یا به هر دلیلی هزینه زیادی برای رفتارهای خاصی قایل‌اند بسیار محتمل است که از آن رفتارهای متقلبانه فاصله بگیرند (H'madoun, 2011).

مطالعات انجام شده در خصوص تأثیر بازدارنده‌های بیرونی در پیشگیری از جرم به طور عام و جرم اقتصادی یا فساد به طور خاص عمدتاً بر اساس سه نظریه روانشناختی، جامعه‌شناختی و اقتصادی (نظریه انتخاب عقلانی) صورت گرفته‌اند. این سه نظریه در تحقیق حاضر در مقایسه با نظریه ترس از آتش دوزخ نظریه‌های رقیب محسوب می‌شوند.

تحقیق کالینز و اشمیت بر روی جرایم یقه سفیدها در آمریکا اولین پژوهش روانشناختی در

خصوصاً تأثیر شخصیت بر روی جرایم یقه سفیدها محسوب می‌شود. آنان در تحقیق خود بر روی دو نمونه مجرمان یقه سفید و همتایان غیر مجرم شان به این نتیجه رسیدند که مجرمان یقه سفید در مقایسه با همتایان غیر مجرم خود افرادی مسوولیت ناپذیر، بی‌اعتنا به قواعد و مقررات، ریسک‌پذیر و غیر قابل اعتماد هستند (Collins and Schmidt, 1993).

چهار محقق آلمانی نیز با الهام از تحقیق کالینز و اشمیت، در پژوهشی تحت عنوان همبسته‌های شخصیتی جرایم یقه سفیدها و با اجرای یک تحقیق علی-مقایسه‌ای بر روی ۷۶ زندانی جرایم یقه سفید (۷۰ مرد و ۶ زن) و ۱۵۰ نفر از همتایان غیر مجرم آنان (۹۴ مرد و ۵۶ زن) به این نتیجه رسیدند که جرایم یقه سفیدها در میان مدیران تجاری آلمان عمدتاً در میان مردان و کسانی که بر رفتار خود کنترل ندارند و درجه بالایی از خودشیفتگی و لذت‌گرایی را تجربه می‌کنند رخ می‌دهند (Blickle et al. 2006).

جیمز ویلیام کلمن یکی از نظریه پردازان مطرح در حوزه جرایم اقتصادی با تلفیق چند نظریه مختلف، یک مدل تبیینی واحد ارائه کرده است که مهم‌ترین نظریه جامعه‌شناختی جرایم یقه سفیدها محسوب می‌شود. وی معتقد است جرایم اقتصادی را با توجه به سه عامل می‌توان تبیین کرد: اول انگیزه‌ها، دوم دلیل تراشی برای ارتکاب جرم یا ادراک فرد از درجه ریخته شدن قبح<sup>۲</sup> جرایم اقتصادی و سوم فرصت ارتکاب جرایم اقتصادی.

در بحث از انگیزه‌ها، کلمن متخلفان اقتصادی را از نظر نوع انگیزه در دو گروه مقوله‌بندی کرده است. گروه اول متخلفانی هستند که در پاسخ و در واکنش به یک بحران دست به تخلف اقتصادی می‌زنند. این بحران‌ها از هر نوعی می‌توانند باشند اما وجه مشترک آن‌ها این است که متخلف در چنین مواقعی از موقعیت و اعتماد دیگران به خود سوء استفاده می‌کند. چنین فردی به این دلیل مرتکب جرم اقتصادی می‌شود تا با خطراتی که وی، اعضای خانواده یا شرکت بازرگانی وی را تهدید می‌کنند مقابله کند. کسانی که بحران‌های فوق‌الذکر را تجربه می‌کنند معمولاً کسانی هستند که به دلیل فشارهای ناشی از رقابت در بازار اقتصاد بر سر یک دوراهی قرار می‌گیرند: که آیا به قانون احترام بگذارند حتی اگر به قیمت حذف آنان از گردونه رقابت اقتصادی منجر شود یا اینکه مرتکب جرم شوند و ریسک دستگیری و محکومیت را به جان بخرند. گروه دوم متخلفانی هستند که در یک وضعیت بحرانی دست به ارتکاب جرم اقتصادی زده‌اند بلکه از روی قصد و رضا از فرصت‌هایی که وقوع جرم را ممکن می‌سازند استفاده می‌کنند. این دسته از افراد اگر چنین فرصتی

پیدا نمی‌کردند هرگز مرتکب جرم نمی‌شدند. این دسته از افراد گاه ممکن است از سوی دیگران برای ارتکاب جرم گماشته شوند (از سر توطئه و دسیسه چینی).

به زعم کلمن نکته شگفت‌انگیز در این میان این است که افراد موفق، مرتکب جرایم اقتصادی می‌شوند. دلیل این امر از نظر کلمن ویژگی‌های شخصیتی این افراد است: آمادگی برای خطر کردن و حرص و آز و طمع و جاه‌طلبی و بلندپروازی برای کسب منافع بیش‌تر است. عده‌ای از مجرمان اقتصادی نیز نگران آن هستند که از نردبان تحرک طبقاتی تنزل کنند و منزلت سابق خود را از دست بدهند. اسطوره موفقیت غالب در یک جامعه که مصداق آن سربلند بیرون آمدن از رقابت اقتصادی است تقویت‌کننده ارزش‌هایی است که مروج جرایم اقتصادی است. ترس از شکست و ورشکستگی به این معنی است که جرایم اقتصادی در زمان رکود اقتصادی بیش از زمان رونق رخ می‌دهند.

در بحث از قبح‌زدایی از جرم یا دلیل تراشی برای ارتکاب آن، کلمن معتقد است در لایه‌های زیرین انگیزه‌های ارتکاب جرم فضای هنجاری‌ای وجود دارد که بر نگرش مرتکبین این جرایم اثر می‌گذارد. خانواده و مدرسه نقش مهمی در شکل‌گیری این هنجارها ایفا می‌کنند. نحوه سازمان‌دهی زندگی کاری یا تجاری نیز بر شکل‌گیری اخلاقیات در سطح جامعه و انگیزش برای ارتکاب جرایم اقتصادی اثرگذار هستند.

این فضای هنجاری نیز به نوبه خود تحت تأثیر تحولات اجتماعی است. هنگامی که نظام‌های حافظ هنجارهای اجتماعی متحول می‌شوند و یا از بین می‌روند جرم افزایش می‌یابد. به همین دلیل فرار از مالیات در کشورهای غربی بسته به بی‌ثباتی اجتماعی ناشی از تحولات سریع رخ می‌دهند و نه به خاطر رقم بالای مالیات.

در اینجا کلمن از نظریه ساترلند (۱۹۴۹) نیز مدد می‌گیرد. به زعم ساترلند جرم‌شناس سرشناس آمریکایی که مفهوم جرم یقه سفیدها نخستین بار از سوی او تعریف شد رفتار مجرمانه، رفتاری فراگرفتنی است. چنین رفتاری در محیط‌هایی رخ می‌دهد که انجام آن بیش از احترام و عمل به قانون، مفید پنداشته می‌شود. افراد رفتار مجرمانه را یاد می‌گیرند و در قالب رفتارهای مجرمانه‌ای که ویژه یک محیط خاص است جامعه پذیر می‌شوند. چنین محیطی معمولاً از محیط‌های دیگری که در آن‌جا چنین رفتارهایی نادرست تلقی می‌شوند جدا هستند. محیط‌های جرم‌خیز ممکن است شامل دسته‌های تبهکار جوانان یا سازمان‌های جا افتاده‌ای مثل شرکت‌ها یا اداره‌های یک شرکت شود. در این شرکت‌ها افراد نه تنها تکنیک‌های لازم برای قانون‌شکنی را می‌آموزند بلکه

انگیزه‌های انجام آن را نیز به دست می‌آورند. سازمان‌ها و هنجارهایی که در آن سازمان‌ها شکل می‌گیرند عامل تبیین‌کننده مهمی در رابطه با جرایم اقتصادی محسوب می‌شوند. حتی اگر برخی از افراد آن سازمان را ترک کنند و عده دیگری جایگزین شوند همان فعالیت مجرمانه ممکن است تداوم یابد (Sutherland, 1949).

قادر بودن مجرم به دلیل تراشی برای رفتار مجرمانه خود نقش مهمی در ایجاد انگیزه در وی برای ارتکاب جرم ایفا می‌کند. متخلفان اقتصادی معمولاً در پذیرش ارزش‌های اجتماعی غالب در یک جامعه با دیگران مشترک هستند. آن‌ها احتیاج دارند که تخلفات خود را با آن انگیزه‌ها به نحوی تعریف کنند که در باطن خود با طرز تفکرشان از خود به عنوان شهروندان وفادار به قانون مشکلی پیدا نکنند. مسأله فقط قادر بودن مجرم به مجوز تراشی برای تخلف خود پس از ارتکاب جرم نیست بلکه قبح زدایی از این رفتار قبل از ارتکاب تخلف و جرم نیز هست.

ذکر نمونه‌هایی از قبح زدایی ارتکاب جرم در اینجا لازم است: این تصور که «همه دارند همین کار را می‌کنند» یا «کار من که به کسی ضرری نمی‌رساند»، قبح زدایی یعنی اینکه فرد ممکن است دلایل خوبی برای ارتکاب جرم برای خود داشته باشند مثلاً نجات یک شرکت تجاری و زندگی کارکنان آن و یا موجه جلوه دادن یک جرم با اشاره به نیازهای اعضای خانواده نمونه دیگری از قبح زدایی زمانی است که مردم عادی مشاهده کنند پاداش‌های آنچنانی به برخی مدیران بخش دولتی پرداخت می‌شود در این صورت آن‌ها ممکن است از تقلب در پرداخت مالیات خود چندان احساس گناه نکنند و خود را محق بدانند.

در جوامع امروز که اشباع رسانه‌ای را تجربه می‌کنند خواه ناخواه قبح زدایی از جرایم اقتصادی نیز به وفور دیده می‌شود. انتشار اخبار رسوایی‌های اقتصادی یا مالی در بخش دولتی و خصوصی در قالب اختلاس، ارتشاء، فساد بانکی و نظایر آن به فرایند قبح زدایی از چنین رفتارهای مجرمانه‌ای دامن می‌زند.

در بحث از فرصت ارتکاب جرم نیز کلمن معتقد است برای آنکه جرمی به وقوع بپیوندد یک وضعیت یا فرصت لازم است. وضعیت‌ها و فرصت‌هایی از این نوع به نحوه سازمان دهی زندگی کاری و تجاری مربوط می‌شود. عملکرد نظام‌های نظارتی هم نقش مهمی در پدید آمدن یا نیامدن این فرصت‌ها ایفا می‌کنند مثلاً در جوامع غربی پدیده فرار از مالیات را می‌توان با سطح فرصت‌های موجود برای طفره رفتن از پرداخت مالیات تبیین کرد. وقتی چنین فرصت‌هایی به خاطر اعمال تدابیر لازم کاهش یابد میزان فرار از مالیات هم کاهش می‌یابد. کلمن با توجه به وجود فرهنگ

رقابتی در جامعه مدرن استدلال می‌کند که روند جرم در حوزه تخلفات و جرایم اقتصادی عمدتاً نتیجه پیدایش فرصت‌های جذاب برای ارتکاب جرم است تا تفاوت بین افراد در سطح انگیزش (Coleman, 2001).

و بالاخره باید از نظریه اقتصادی جرایم یقه سفیدها (Becker, 1968) یا نظریه انتخاب عقلانی یا نظریه پیشگیری وضعیتی (Cornish and Clark, 1987, and Clark, 1980) یاد کرد که فرضیه مربوط به ادراک فرد از احتمال کشف جرم و قطعیت و شدت مجازات در تحقیق حاضر از آن استخراج شده است. بر طبق این نظریه افراد بر اساس تحلیل هزینه، فایده‌ی ارتکاب جرم تصمیم می‌گیرند که مرتکب جرم شوند یا نشوند. اگر فایده یا نفع ادراک شده مترتب بر ارتکاب جرم بیش از هزینه‌های آن باشد (بر اساس احتمالی که فرد می‌دهد) در این صورت وی تصمیم می‌گیرد که مرتکب جرم شود. مجرمین معمولاً مزایا و منافع مترتب بر رفتار مجرمانه و احتمال دستیابی به آن‌ها را بیش از حد واقعی برآورد می‌کنند و هزینه‌های ناشی از ارتکاب جرم و احتمال تحمل ضرر و زیان را کم برآورد می‌کنند.

بدین ترتیب برای آزمون فرضیه بازدارندگی کیفیت جامعه‌پذیری دینی (میزان قرار گرفتن در معرض پیام‌های دینی عوامل مختلف جامعه‌پذیری دینی) و میزان دینداری فردی و تعیین سهم و ارزش بازدارندگی آن دو متغیر در مقایسه با سایر عوامل بازدارنده، تلفیقی از مدل‌های پیشگیری درونی و بیرونی به عنوان نظریه‌های رقیب در تبیین متغیر وابسته یعنی ارتکاب یا عدم ارتکاب جرایم اقتصادی مورد استفاده واقع شده‌اند. در این مقاله معلوم خواهد شد که آیا قرار گرفتن در معرض پیام‌های دینی عوامل مختلف جامعه‌پذیری دینی و همچنین درجه دینداری قدرت بازدارندگی از ارتکاب جرایم اقتصادی را دارند یا خیر. به عبارت دیگر در این مقاله مشخص خواهد شد که رابطه بین دو متغیر مستقل (عوامل مختلف جامعه‌پذیری دینی و درجه دینداری) و متغیر وابسته (ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم) پس از افزودن کنترل‌های سکولار (مثلاً ادراک فرد از احتمال کشف جرم و شدت مجازات، درجه لذت جویی، درجه خودشیفتگی، درجه کنترل نفس، ادراک فرد از وجود فرصت ارتکاب جرم در محیط کار، میزان ترس از سرافکنندگی نزد خانواده و دیگران به دلیل مشکلات مالی، میزان طمع ورزی و دلیل تراشی برای ارتکاب جرم) به مدل تحلیلی تحقیق همچنان پایدار باقی می‌ماند یا خیر با توجه به چارچوب نظری فوق فرضیه‌های زیر مطرح و آزمون شده‌اند:

۱. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و هم‌تایان غیر مجرم آنان از نظر سطح جامعه‌پذیری دینی در محیط خانواده پدری (خاستگاه) تفاوت معنی‌داری به لحاظ آماری وجود دارد.

۲. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیر مجرم آنان از نظر سطح جامعه پذیری دینی از طریق دوستان صمیمی تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.
۳. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیر مجرم آنان از نظر سطح جامعه پذیری دینی در محیط مدرسه (در دوران دانش آموزی آنان) تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.
۴. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیر مجرم آنان از نظر سطح جامعه پذیری دینی در محله و اجتماع تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.
۵. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیر مجرم آنان از نظر سطح جامعه پذیری دینی از طریق برنامه‌های دینی صدا و سیما تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.
۶. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیر مجرم آنان از نظر سطح جامعه پذیری دینی از طریق محصولات فرهنگی مجوز گرفته از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.
۷. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیر مجرم آنان از نظر درجه دینداری تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.
۸. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیر مجرم آنان از نظر ادراک در مورد احتمال کشف جرم و قطعیت و شدت مجازات مترتب بر ارتکاب جرم تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.
۹. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیر مجرم آنان از نظر درجه لذت جویی تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.
۱۰. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیر مجرم آنان از نظر درجه خود شیفتگی تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.
۱۱. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیر مجرم آنان از نظر درجه ناتوانی در کنترل نفس (کنترل بر رفتار خود) تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.
۱۲. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیر مجرم آنان از نظر درجه ترس از سرافکنندگی ناشی از بحران مالی نزد خانواده و دیگران تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.
۱۳. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و همتایان غیر مجرم آنان از نظر درجه طمع ورزی و دلیل تراشی برای ارتکاب جرم تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.

۱۴. بین مجرمان اقتصادی (زندانی) و هم‌تایان غیر مجرم آنان از نظر ادراک از میزان وجود فرصت ارتکاب جرم در محیط کار تفاوت معنی داری به لحاظ آماری وجود دارد.

### روش تحقیق:

این پژوهش از نظر نوع و ماهیت نتایج، پژوهشی کاربردی از نوع ارزیابی<sup>۳</sup> است که خود زیر مجموعه تحقیقات سیاست پژوهی<sup>۴</sup> محسوب می‌شود. ذکر این نکته لازم است که ارزیابی، یک روش تحقیق محسوب نمی‌شود بلکه ارزیابی به هدفی که به خاطر آن تحقیق انجام می‌شود اشاره می‌کند و برای انجام آن می‌توان از همه روش‌های تحقیق استفاده کرد (Dane, 2011: 298). تحقیق‌های ارزیابی اثرات سیاست‌ها و برنامه‌ها را بر روی آماج آن سیاست‌ها و برنامه‌ها (یعنی افراد، گروه‌ها، نهادها و اجتماعات) از نظر میزان تحقق اهداف، مورد بررسی قرار می‌دهند. ارزیابی به راه‌های منظم برای جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و کاربرد اطلاعات جهت پاسخگویی به سؤالاتی در خصوص پروژه‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌ها خصوصاً راجع به اثربخشی و کارایی آن‌ها اطلاق می‌شود. هم در بخش دولتی و هم بخش خصوصی، طرف‌های ذی‌نفع می‌خواهند بدانند آیا برنامه‌هایی که آنان اجرا می‌کنند و بودجه زیادی صرف اجرای آن‌ها می‌کنند واقعا اثرات مورد انتظار<sup>۵</sup> آنان را در پی دارند یا خیر، کار محقق ارزیاب پاسخگویی به این سوال است.

مشکل اصلی در ارزیابی اثرات یک برنامه این است که گاهی اوقات بر آینده‌های مطلوب ممکن است تحت تأثیر عواملی غیر مرتبط با برنامه ایجاد شده باشند. لذا ارزیابی تأثیر متضمن ارایه یک برآورد از اثرات خالص یک برنامه است یعنی تغییرات ناشی از مداخله قطع نظر از تغییرات ناشی از عملکرد فرایندها و رویدادهای دیگر که بر شرایط اجتماعی موضوع مداخله اثر گذار بوده‌اند. به منظور اجرای یک ارزیابی تأثیر، ارزیاب باید طرحی را تنظیم کند که قادر به تعیین وضعیت گیرندگان برنامه بر اساس سنجش‌های برآیندی مرتبط باشد و بتواند برآورد کند که اگر مداخله‌ای صورت نمی‌گرفت آن وضعیت چگونه می‌بود.

در تحقیق حاضر برای اینکه بتوان اثر بازدارندگی از جرم را به دینداری و میزان قرار گرفتن فرد در معرض تبلیغات دینی اجرا شده از سوی نهادهای جامعه‌پذیری دینی (و سایر عوامل بازدارنده)

3- Evaluation Research

4- Policy Research

5- Intended effects

نسبت داد ارزیابی ما باید خصلتی مقایسه ای (تطبیقی) داشته باشد. برای اینکه ارزیابی چنین خصلتی داشته باشد یا باید از گروه‌های کنترل استفاده کرد تا از این طریق اثر بازدارندگی مشاهده شده را بتوان به تفاوت بین دو گروه (آزمودنی و کنترل) نسبت داد (یعنی دو گروه مجرم و غیر مجرم) و یا اینکه از کنترل‌های آماری بر روی عوامل منتخب استفاده کرد. در تحقیق حاضر از هر دو روش برای تعیین اثر و سهم بازدارندگی دینداری استفاده شده است.

از این گذشته، چارچوب نظری انتخاب شده برای اجرای تحقیق حاضر به نحوی است که هم سهم تأثیر بازدارنده‌های درونی (یعنی تأثیر همه نهادهای مسوول جامعه پذیری دینی) را به طور جداگانه و یکجا تعیین می‌کند و هم سهم تأثیر بازدارنده‌های بیرونی را به طور جداگانه و به طور یکجا تعیین می‌کند. رویکرد جرم‌شناسانه ما در این تحقیق ارزش نسبی اثربخشی همه نهادهای مسوول جامعه پذیری دینی در پیشگیری از جرم را با هم در نظر می‌گیرد. یکی از این نهادها ممکن اثر بیش‌تر و قوی‌تری در مقایسه با سایر نهادها داشته باشد.

به علاوه در این پژوهش از روش پیمایش و طرح علی-مقایسه ای یا گذشته‌نگر به منظور بررسی تأثیر عوامل مختلف بر بازدارندگی افراد از ارتکاب جرایم اقتصادی استفاده شده است. بدین منظور ۱۲۰ پرسشنامه در میان مجرمان اقتصادی محبوس در زندان اوین در سال ۱۳۹۱ و ۱۲۰ پرسشنامه در میان گروه غیر مجرم (گروه هم‌تا) در شهر تهران اجرا شده است.

### متغیرهای تحقیق:

متغیر وابسته عبارت است از: ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم اقتصادی و متغیرهای مستقل عبارتند از: درجه دینداری فرد، سطح جامعه پذیری دینی در محیط خانواده پدری (خاستگاه)، سطح جامعه پذیری دینی از طریق دوستان، از طریق مدرسه، از طریق محله و اجتماع، از طریق برنامه‌های دینی صدا و سیما و از طریق محصولات فرهنگی مجوز گرفته از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. متغیرهای مربوط به فرضیه‌های مستخرج از نظریه‌های رقیب نیز بخش دیگری از متغیرهای مستقل را تشکیل می‌دهند: شدت ترس از سرافکنندگی و شرمندگی ناشی از بحران مالی نزد خانواده یا دیگران، میزان طمع ورزی و دلیل تراشی برای ارتکاب جرم، ادراک فرد از میزان وجود فرصت ارتکاب جرم در محیط کار، درجه لذت‌گرایی در زندگی، درجه خودشیفتگی، درجه عدم کنترل نفس (عدم کنترل بر رفتارهای خود)، ادراک فرد از احتمال کشف جرم و شدت مجازات تعیین شده برای آن (این متغیرها در ذیل بازدارنده‌های بیرونی یا سکولار قرار می‌گیرند). سایر متغیرهای مستقل عبارتند از:

متغیرهای دموگرافیک مانند: سن، وضع تأهل، سن هنگام اولین ازدواج، تعداد فرزندان، نوع شغل، میزان درآمد، سطح تحصیلات. ذیلاً تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای فوق‌ارایه می‌شود.

### جرم اقتصادی:

ماهیت جرایم اقتصادی در طول زمان تحول می‌یابد. گاه این جرایم از سوی یقه آبی‌ها و گاه از سوی یقه سفیدها صورت می‌گیرند. گاه در محیط فیزیکی و گاه در محیط مجازی رخ می‌دهند. برخی جرایم اقتصادی فیزیکی عبارتند از سوء مدیریت دارایی‌ها، تقلب<sup>۱</sup>، دادن یا گرفتن رشوه، اختلاس، کلاهبرداری، پول‌شویی، رانت خواری، زمین خواری، عضویت و فعالیت در شرکت‌های هرمی، فرار از مالیات، قاچاق کالا و ارز و مواد مخدر، تطمیع، جعل و ...

لازم است بین فساد اداری و جرم اقتصادی تمایز قایل شد. بر اساس تعریف بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌الملل، اصطلاح فساد اداری<sup>۲</sup> به معنی «سوء استفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منافع شخصی (خصوصی) است». چنین فساد می‌تواند هم در سطح دولتمردان و کارمندان عالی رتبه و هم در سطح کارمندان میانی و جزء رخ دهد. مجرمان اقتصادی برای پیشبرد امور خود نیازمند همکاری کارمندان فاسد عالی رتبه یا میانی هستند. البته گاه ممکن است کارمند فاسد، خود نیز مرتکب یکی از جرایم اقتصادی شود.

عده‌ای جرایم اقتصادی را شکل خاصی از جرایم سازمان یافته دانسته‌اند (Nelken, 1997, Sa-vona, 1998). به زعم آنان تخصصی شدن، حرفه‌ای شدن و سازماندهی سه ویژگی اصلی جرایم اقتصادی محسوب می‌شوند. هرچه زمینه‌ای که مجرمان اقتصادی در آن کار می‌کنند پیچیده‌تر باشد آن‌ها به تجربه حرفه‌ای‌تر و به ساختارهای سازمانی وسیع‌تری برای ارتکاب جرم خود نیاز دارند. به همین دلیل تخلفات و جرایم اقتصادی بزرگ مقیاس به سازماندهی بیش‌تری نیازمند هستند تا مجرمان دخیل در آن‌ها آسان‌تر به اهداف خود برسند و ریسک‌ها و مخاطرات احتمالی را کاهش دهند. مجرمان اقتصادی نیازمند اطلاعات مشروح در خصوص قوانین، مقررات، رویه‌ها، تکنیک‌ها و کردارهای تجاری در سطح محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی هستند تا از این طریق بتوانند فرصت‌ها و ریسک‌ها را ارزیابی کنند. آن‌ها معمولاً شبکه‌ای از افراد با مهارت‌های مورد نیاز را به دور خود ایجاد می‌کنند تا کارآمدی تجاری خود را بالا ببرند و بتوانند خود را با شرایط جدید

6-fraud

7-Corruption

قانونی یا تکنولوژیکی هماهنگ کنند.

دادخدایی تعریف دیگری از جرم اقتصادی و نسبت آن با فساد ارایه کرده است. وی در وهله اول جرم اقتصادی را از جرایم علیه اموال متمایز می‌سازد. جرایم علیه اموال جرم فقرا محسوب می‌شوند اما جرایم اقتصادی جرم یقه سفیدها محسوب می‌شوند (دادخدایی، ۱۳۸۹:۵۰).

در کتاب سیاست جنایی- تقنینی ایران در جرایم اقتصادی که از سوی معاونت آموزش قوه قضاییه در سال ۱۳۸۷ منتشر شده است جرایمی همچون رشاء و ارتشاء، اختلاس، اخذ پورسانت، اخلال در نظام اقتصادی کشور، پولشویی، جعل اسکناس و اوراق بهادار، تحصیل مال از طریق نامشروع، جرایم مالیاتی، قاچاق کالا و ارز، جرایم گمرکی، جرایم ورشکستگی به تقصیر و تقلب به عنوان مصادیق جرم اقتصادی بر شمرده شده اند (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷). بر اساس همین تعریف در تحقیق حاضر هم فساد کارکنان بخش دولتی و هم جرایم اقتصادی بخش خصوصی مورد مطالعه واقع شده اند.

#### درجه دینداری:

دینی بودن عنوان عامی است که به هر فرد یا پدیده‌ای که ارزش‌ها و نشانه‌های دینی در آن متجلی باشد اطلاق می‌شود. تجلی ارزش‌ها و نشانه‌های دینی بودن فرد را در نگرش، گرایش و کنش‌های آشکار و پنهان او می‌توان جست و شناسایی کرد. فرد متدین از یک سو خود را ملزم به رعایت فرمان‌ها و توصیه‌های دینی می‌داند و از سوی دیگر، اهتمام و ممارست‌های دینی، او را به انسانی متفاوت با دیگران بدل می‌سازد. بنابراین به دو طریق یا با دو نشانه می‌توان او را از دیگران باز شناخت: یکی از طریق پای بندی و التزام دینی اش و دیگری «پیامد» دینداری و آثار تدین در فکر و جان و عمل فردی و اجتماعی او (پویافر و سراج زاده، ۱۳۸۸:۳ به نقل از شجاعی زند، ۱۳۸۴:۳۵ و ۳۶).

در ایران پژوهشگران از سنجه‌های مختلفی برای سنجش دینداری استفاده کرده اند. اما مهم ترین آن‌ها که واجد پشتوانه نظری بوده و رویکردی جامعه شناسانه دارد عبارت است از مقیاس شجاعی زند (۱۳۸۴) که مبنای ساخت ابزار سنجش دینداری در تحقیق حاضر است. شجاعی زند تلاش کرده است تا سنجه خود را بر مبنای اصول دین اسلام و اوضاع اجتماعی ایران طراحی کند. به اعتقاد وی دینداری دارای ابعاد و اجزایی منبعث از وجوه متفاوت دین است که به نوبه خود در تناسب با ابعاد وجودی انسان قرار می‌گیرد. بر این اساس وی با تلقی دین به مثابه تأثیر و تجلی کم یا زیاد دین در ذهن، روان و رفتار فرد و پیگیری آن از طریق ابعاد تفصیل یافته اش یعنی عقیده، ایمان،

عبادت، اخلاق و شریعت، پنج بعد را برای دینداری در نظر می‌گیرد که شامل معتقد بودن، مؤمن بودن، اهل عبادت بودن، عمل اخلاقی و تشریح است (همان: ۵).

الگوی پیشنهادی شجاعی زند تا کنون کم‌تر از سنج‌های دیگر به محک تجربه خورده است. یکی از تحقیقات تجربی که از سنج‌های فوق استفاده کرده است تحقیق سراج زاده و پویافر (۱۳۸۸) است که پرسشنامه آن بر اساس الگوی شجاعی زند و در قالب ۲۹ گویه طراحی شده و در میان دانشجویان دانشگاه سمنان اجرا شده است. در تحقیق حاضر ضمن پذیرش الگوی نظری شجاعی زند برخی از گویه‌های ساخته شده توسط سراج زاده و پویافر را از پرسشنامه تحقیق حذف کردیم و چند گویه را اضافه کردیم تا تناسب بیش‌تری با ویژگی‌های جامعه آماری مورد تحقیق ایجاد شود و در مجموع از ۱۶ گویه برای سنجش دینداری استفاده شد. البته پس از اجرای تکنیک تحلیل عاملی بر روی ۱۶ گویه مورد استفاده چهار عامل استخراج شد. در عامل اول ۹ گویه مربوط به سه بعد عبادی (فردی و جمعی)، شرعی (عمل به تکالیف فردی و جمعی) و اخلاقی با همدیگر یک منظومه منسجم را تشکیل می‌دادند که بیش‌ترین میزان واریانس را نیز تبیین می‌کردند. در عامل دوم چهار گویه که بعد اعتقادی دینداری را می‌سنجیدند قرار گرفتند و در عامل سوم دو گویه که هر دو زیر مجموعه تکالیف فردی و جمعی محسوب می‌شوند قرار گرفتند. یک گویه نیز به تنهایی یک عامل را تشکیل می‌داد. در تحقیق حاضر سنج‌های دینداری بر اساس گویه‌های تشکیل دهنده عامل اول ساخته شده است. گویه‌های تشکیل دهنده عامل دوم فاقد تغییر پذیری در الگوی پاسخ‌پاسخگویان بودند و لذا حذف شدند. عامل سوم نیز به تنهایی برای سنجش دینداری کفایت نمی‌کرد و به همین دلیل حذف شد. تنها گویه تشکیل دهنده عامل چهارم نیز به همین دلیل حذف شد.

### سطح جامعه‌پذیری دینی:

در تحقیق حاضر منظور از جامعه‌پذیری دینی فرایند یادگیری هر آن چیزی است که به جهان دینی مربوط می‌شود از یادگیری زبان مذهبی تا شعائر یا مناسک دینی. آنچه که ما راجع به متون دینی (قرآن مجید، نهج البلاغه و سایر کتب دینی) فرا می‌گیریم، آنچه که راجع به زندگی و سیره پیشوایان دینی (پیامبر و ائمه معصومین) می‌آموزیم، آنچه که در مورد گناه و توبه می‌دانیم همگی بخش‌هایی از فرایند جامعه‌پذیری دینی محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر جامعه‌پذیری دینی فرایند آموزش است. البته این فرایند به یادگیری محتواهای دینی و تشخیص رفتار مناسب در

اما کن متبر که محدود نمی شود بلکه به این معنی است که آیا ما از منظر دینی به جهان می نگریم یا خیر (جهان بینی دینی).

دستگاه‌ها و نهادهای مسئول به جامعه پذیری دینی یا تبلیغات دینی متعددند. از طرفی چاوز سه نوع سازمان دینی را از همدیگر تفکیک کرده است: جماعت‌ها یا گردهمایی‌های دینی<sup>۸</sup> که عبارتند از سازمان‌ها و تجمعات محلی خرد مقیاس که از طریق آن‌ها افراد به فعالیت دینی می‌پردازند مثل: کلیساها، کنیسه‌ها، مساجد و معابد. سازمان‌های دینی دسته دوم سازمان‌هایی هستند که تجمعات یا گردهمایی‌های دینی در آن‌ها شکل نمی‌گیرند اما آن گردهمایی‌ها تحت حمایت و نظارت آن‌ها صورت می‌گیرند مانند نهادهای تبلیغ دینی، دفاتر ملی و منطقه‌ای جماعت‌های مختلف دینی و نظایر آن. سازمان‌های دینی دسته سوم سازمان‌هایی هستند که در حوزه‌های عملکردی غیر دینی فعالیت می‌کنند و شامل طیف وسیعی از سازمان‌های دینی می‌شوند که تقریباً همه کارهایی که سازمان‌های سکولار غیر انتفاعی انجام می‌دهند آن‌ها هم انجام می‌دهند مانند مدارس، بیمارستان‌ها، مراکز مراقبت از کودکان، برنامه‌های توانبخشی معتادان و نظایر آن. (Chavez, 2002: 1523)

دستگاه‌ها و نهادهای مسئول جامعه پذیری دینی یا تبلیغات دینی در ایران را می‌توان تا حدودی در سنخ‌شناسی فوق‌الذکر گنجانند. به عنوان مثال مساجد، حسینیه‌ها، هیات‌های مذهبی، کنگره عظیم حج، عتبات عالیات و نظایر آن را می‌توان از مصادیق سازمان‌های دسته اول دانست. حوزه‌های علمیه قم و یا سایر شهرهای کشور، سازمان تبلیغات اسلامی، ستاد رسیدگی به امور مساجد، ستاد اقامه نماز و نظایر آن را می‌توان از مصادیق سازمان‌های دسته دوم دانست و مدارس، دانشگاه‌ها، شبکه‌های رادیو و تلویزیونی، سینماها، تئاترها، کتابخانه‌های عمومی و نظایر آن را می‌توان از مصادیق سازمان‌های دسته سوم دانست. در تحقیق حاضر هم سطح جامعه پذیری دینی از طریق برنامه‌های دینی صدا و سیما و همچنین سطح جامعه پذیری دینی از طریق مصرف محصولات فرهنگی مجوز گرفته از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است و هم تأثیر سایر عوامل جامعه پذیری دینی مورد مطالعه قرار گرفته است: سطح جامعه پذیری دینی در محیط خانواده پذیری، سطح جامعه پذیری دینی از طریق دوستان صمیمی، از طریق مدرسه، از طریق محله و اجتماع محل سکونت.

### شدت ترس از سرافکندگی و شرمندگی ناشی از بحران مالی نزد خانواده و دیگران:

این متغیر را با الهام از مفهوم پردازی جیمز ویلیام کلمن در خصوص انگیزه‌های ارتکاب جرایم اقتصادی در مدل تحلیلی تحقیق قرار داده ایم. از نظر کلمن انگیزه‌های ارتکاب جرایم اقتصادی دو دسته هستند. یکی مقابله با بحران و دیگری مغتنم شمردن فرصت. این بحران از هر نوعی می‌تواند باشد چه بحران‌هایی که یک فرد یا اعضای خانواده اش را تهدید می‌کند و چه بحران‌هایی که موجودیت یک شرکت تجاری را تهدید می‌کند. در تحقیق حاضر با دو معرف یا سوال شدت تجربه بحران نوع اول را اندازه‌گیری کرده ایم.

### میزان طمع ورزی و دلیل تراشی برای ارتکاب جرم:

بحران‌هایی که موجودیت یک شرکت تجاری را تهدید می‌کنند و دلیل تراشی‌هایی که برای مقابله با چنین بحران‌هایی صورت می‌گیرند همراه با طمع ورزی و مغتنم شمردن فرصت در مجموع، انگیزه دیگری برای ارتکاب جرم اقتصادی محسوب می‌شوند. این متغیر از طریق هفت گویه اندازه‌گیری شده است. لازم به ذکر است این نحوه مفهوم سازی منطبق بر نتیجه تحلیل عاملی در تحقیق حاضر است و به همین دلیل با مفهوم سازی اصلی جیمز کلمن تا حدی متفاوت است.

### ادراک فرد از میزان وجود فرصت ارتکاب جرم در محیط کار:

این متغیر با الهام از مفهوم فرصت در نظریه ساترلند در مدل تحلیلی تحقیق قرار گرفته است. منظور از این متغیر این است که تا چه حد فرد تصور می‌کند که زمینه‌ها و شرایط لازم برای وقوع جرم اقتصادی در محیط کار وی وجود داشته یا دارد. این متغیر با پنج گویه اندازه‌گیری شده است. این گویه‌ها به میزان یادگیری تکنیک‌های تخلف و قانون شکنی در محیط کار، انگیزه یابی برای ارتکاب جرم در محیط کار، جرم خیز بودن روابط و ساختار موجود در محیط کار، ضعف نظام‌های نظارتی و کنترلی در محیط کار و بالاخره رواج فرهنگ سازمانی تسهیل کننده جرم مربوط می‌شوند.

### درجه لذت‌گرایی در زندگی:

منظور از درجه لذت‌گرایی<sup>۹</sup> میزان ارزشی است که یک فرد برای اشیاء و کالاهای مادی و لذت بردن از زندگی قایل است. این مفهوم را با چهار گویه در پرسشنامه تحقیق عملیاتی کرده ایم.

### درجه خودشیفتگی:

مفهوم خودشیفتگی<sup>۱۰</sup> آنگونه که بروبرگ تعریف کرده است عبارت است از خود بزرگ بینی، نیاز به ستایش و تحسین و کسب موفقیت به هر قیمتی. این مفهوم را با ۹ معرف یا گویه اندازه گیری کرده ایم.

### درجه عدم کنترل نفس (کنترل بر رفتارهای خود):

بر اساس تعریف گانفردسون و هیرشی مجرمان فاقد قدرت کنترل نفس<sup>۱۱</sup> هستند. آنان به بدر رفتاری در مدرسه، مصرف مواد مخدر، اسراف و ولخرجی، غیبت از محل کار یا تحصیل، کندی و تأخیر در انجام وظایف، رانندگی بی محابا، مشکلات رفتاری و رها کردن شغل گرایش دارند (Gott-fredson and Hirschi, 1990) این مفهوم را با ۱۰ گویه اندازه گیری کرده ایم.

ادراک فرد از احتمال کشف جرم و شدت مجازات تعیین شده برای آن:

مجرمین معمولاً مزایا و منافع مترتب بر رفتار مجرمانه و احتمال دستیابی به آن‌ها را بیش از حد واقعی برآورد می کنند و هزینه های ناشی از ارتکاب جرم و احتمال تحمل ضرر و زیان را کم برآورد می کنند. این متغیر را با ۳ معرف یا گویه اندازه گیری کرده ایم.

### جمعیت آماری:

جمعیت آماری تحقیق حاضر مطابق با آنچه که در مورد تحقیقات پس رویدادی از نوع علی - مقایسه ای گفتیم عبارت است از: مفسدان و مجرمان اقتصادی محبوس در زندان اوین به عنوان گروه ملاک و فعالان اقتصادی و کارکنان همتای آنان در بخش دولتی و خصوصی در شهر تهران. در تحقیق حاضر زندانیان جرایم اقتصادی در زندان های استان تهران جمعیت آماری را تشکیل می دهند. با توجه به اینکه چنین مجرمانی عمدتاً در زندان اوین محبوس هستند لذا جامعه آماری تحقیق تدقیق شد و به زندانیان جرایم اقتصادی محبوس در زندان اوین تغییر یافت. از مسوولان زندان اوین تقاضا شد آمار زندانیان جرایم اقتصادی را برای تسهیل فرآیند نمونه گیری در اختیار محقق قرار دهند. در نهایت یک فهرست هزار نفره از زندانیان جرایم اقتصادی و مالی محبوس در زندان اوین به تفکیک نام، نوع جرم و محل نگهداری در اندر زگاه های زندان اوین در اختیار محقق قرار گرفت. بر طبق این فهرست محکومان جرایم اقتصادی و مالی در اندر زگاه های شماره چهار، شش، هفت، هشت و سالن شماره یک بند ۲۴۱، محبوس

10-Narcissism

11-Self-control

هستند. در بند ۲۴۱، سی و شش نفر از متهمان و یا محکومان جرایم اقتصادی کلان محبوس بودند. به دلایل کاملاً موجه به توصیه مسوولان زندان از اجرای مصاحبه و پرسشنامه در این بند صرف نظر شد. لذا همه مصاحبه‌ها و اجرای آزمایشی پرسشنامه‌ها در دفتر رییس اندرزگاه شماره ۷ (بدون حضور ایشان) و تمام پرسشنامه‌های نهایی در سالن آمفی تئاتر اندرزگاه شماره ۷ و نمازخانه اندرزگاه شماره ۴ اجرا شده است. از آنجایی که در فهرست مذکور و البته در اندرزگاه‌ها، زندانیان جرایم اقتصادی و مالی از همدیگر تفکیک نشده بودند محقق جرایم اقتصادی را از مالی تفکیک کرد و سپس با توجه به فراوانی جرایم در فهرست فوق الذکر پنج نوع جرم اقتصادی را انتخاب کرد (اختلاس، کسب مال نامشروع، کلاهبرداری، رشوه و ارتشاء، جعل اسناد) و از مسوول اندرزگاه خواست محکومان یا متهمان جرایم فوق را در سالن آمفی تئاتر و یا در نمازخانه اندرزگاه گردآورد. ۱۲۷ نفر از زندانیان در محل اجرای پرسشنامه حاضر شدند و به سوال‌های پرسشنامه پاسخ دادند. جدول زیر نوع جرایم اقتصادی مورد مطالعه و فراوانی آن‌ها را نمایش می‌دهد. البته ۷ پرسشنامه به دلیل نرخ پایین پاسخگویی (بالا بودن تعداد سوال‌های بی پاسخ) از تجزیه و تحلیل کنار گذاشته شد و همه تحلیل‌ها بر اساس ۱۲۰ پرسشنامه مجرمان و ۱۲۰ پرسشنامه غیرمجرمان صورت گرفته است.

جدول ۱: نوع جرم نمونه‌های مورد مطالعه در زندان اوین

ردیف	نوع جرم اقتصادی	فراوانی	درصد خالص
۱	اختلاس	۵۲	۴۰/۹
۲	کسب مال نامشروع	۲۷	۲۱/۳
۳	کلاهبرداری	۱۹	۱۵
۴	ارتشاء و رشوه	۱۷	۱۳/۴
۵	جعل اسناد	۱۲	۹/۴
	جمع	۱۲۷	۱۰۰

#### شیوه و ابزار جمع‌آوری اطلاعات و اعتبار و پایایی سنجه‌های پرسشنامه:

جمع‌آوری اطلاعات در زندان اوین در سه مرحله انجام شد. در مرحله اول هم چارچوب نمونه‌گیری (فهرست ۱۰۰۰ زندانی جرایم اقتصادی و مالی) تهیه شد و هم با مسوول اندرزگاه شماره ۷ ملاقات صورت گرفت و ضمن استفاده از اطلاعات خود ایشان در مورد مجرمان اقتصادی با ۱۰ نفر از مجرمان

اقتصادی در دو روز پیاپی در دفتر ایشان مصاحبه به عمل آمد. در مرحله دوم با استفاده از اطلاعات به دست آمده از مصاحبه ها، پیش نویس پرسشنامه اصلاح شد و در همان اندرزرگه بر روی ۳۷ زندانی جرایم اقتصادی به صورت آزمایشی اجرا شد. در مرحله سوم پس از رفع اشکالات و ابهام‌های پرسشنامه و اجرای دقیق فرآیند نمونه گیری، پرسشنامه‌های تحقیق به تعداد ۱۲۷ نسخه در اندرزرگه‌های شماره ۷ و ۴ اجرا شد. برای بالا بردن ضریب پاسخگویی صادقانه به سوال‌های پرسشنامه از تمهیدات خاصی استفاده شد تا زندانیان به هیچ وجه نگران پاسخ‌های داده شده به سوالات پرسشنامه نباشند. مثلاً به آن‌ها اطمینان داده شد که اولاً اصل گمنامی و محرمانه باقی ماندن اطلاعات ارایه شده در پرسشنامه رعایت خواهد شد، ضمن اینکه به زندانیان اعلام شد که همکاری آن‌ها در تکمیل پرسشنامه کاملاً داوطلبانه است و به هیچ وجه اجباری در این کار نیست. از این گذشته در سالن آمفی تئاتر زندان محلی برای قرار دادن پرسشنامه‌های تکمیل شده در نظر گرفته شد و از پاسخگویان تقاضا شد که پرسشنامه‌های بی نام و نشان خود را پس از تکمیل در آن محل قرار دهند تا از این طریق زندانیان مطمئن شوند که هویت آن‌ها محفوظ باقی خواهد ماند. پرسشنامه مربوط به گروه همتا یا غیر مجرم نیز در محل کار و یا محل عبادت و یا محل فراغت آن‌ها اجرا شد. برای هر یک از مجرمان اقتصادی مورد مطالعه، یک هم‌تای غیر مجرم بر اساس معیارهایی مثل سن، نوع شغل، پست سازمانی، سطح تحصیلات و میزان درآمد انتخاب شد. ضمناً یکی از شرایط قرار گرفتن هم‌تایان در نمونه تحقیق نداشتن سابقه کیفری بود.

از پرسشنامه به عنوان ابزار سنجش در این تحقیق استفاده شده است. در ساخت پرسشنامه همان گونه که پیش تر ذکر شد از نتایج حاصل از مصاحبه با زندانیان نیز استفاده شده است. از این گذشته پرسشنامه به صورت آزمایشی نیز اجرا شده است و پس از حصول اطمینان از اعتبار و پایایی آن نسبت به تکثیر و اجرای پرسشنامه بر روی نمونه نهایی اقدام شد. پرسشنامه نهایی زندانیان در ۸ صفحه و پرسشنامه نهایی هم‌تایان در ۷ صفحه تنظیم شده اند. ۸۵ گویه با سطح سنجش ترتیبی و ۱۱ سوال چند گزینه‌ای یا سوال باز در خصوص ویژگی‌های زمینه‌ای و وجه مشترک هر دو پرسشنامه محسوب می‌شوند. وجه اختصاصی پرسشنامه زندانیان نیز به ۸ سوال در مورد وضعیت قضایی آنان مربوط می‌شود.

برای تعیین اعتبار معرف ها، گویه‌ها و سوال‌های پرسشنامه و سنججه‌های ترکیبی آن از اعتبار محتوایی (اعتبار صوری و اعتبار مبتنی بر نمونه گیری) و برای تعیین پایایی شاخص‌های ترکیبی و طیف لیکرت در پرسشنامه از روش انسجام درونی استفاده شده است. بدین منظور از آزمون آلفای کرونباخ بهره برده ایم. این آزمون ثبات درونی سنججه‌ها را اندازه گیری می‌کند. مقدار

آلفای کروناخ بین صفر و یک نوسان دارد. چنانچه آلفا برابر با یک باشد نشانه دقت کامل ابزار اندازه گیری است و بر عکس چنانچه برابر با صفر باشد بیانگر عدم دقت و عدم تکرار پذیری ابزار اندازه گیری است. ضریب آلفای کروناخ اگر مساوی یا بیش تر از  $0/8$  باشد حاکی از پایایی درونی سنجه یا وسیله اندازه گیری است (Bryman and Cramer, 1990: 71). این آزمون را معمولاً برای آن دسته از معرف‌ها یا گویه‌ها و یا سوال‌های پرسشنامه بکار می‌برند که مجموعاً یک متغیر را می‌سنجند. لازم به ذکر است که برای بررسی اینکه آیا معرف‌های تشکیل دهنده یک سنجه واقعا به یکدیگر مرتبط هستند یا نه و اینکه همه آن معرف‌ها یک بعد از یک مفهوم را می‌سنجند یا ابعاد متفاوت را، از تکنیک تحلیل عاملی استفاده می‌شود. در تحقیق حاضر نتایج تحلیل عاملی بر روی ده سنجه مورد استفاده حاکی از آن بود که هر یک از سنجه‌ها فقط از یک بعد تشکیل شده اند. ضرایب آلفای کروناخ نیز این تک بعدی بودن سنجه‌ها یا درجه انسجام درونی آن‌ها را تأیید کرد. فقط در مورد سنجه انگیزه‌های ارتکاب جرم و سنجه دینداری بود که نتیجه تحلیل عاملی نشان داد که هر یک از این سنجه‌ها بیش از یک بعد دارند و به همین دلیل در مورد انگیزه‌ها، هر سه بعد را نگهداشته و آن‌ها را به عنوان سه متغیر در میان متغیرهای مستقل قرار دادیم اما در مورد سنجه دینداری فقط یکی از ابعاد را نگهداشته و دو بعد دیگر را که الگوی پاسخ دهی پاسخگویان در مورد گزینه‌های گویه‌های تشکیل دهنده آن‌ها فاقد تغییرپذیری<sup>۱۲</sup> بودند حذف کردیم. خوشبختانه ضرایب آلفای کروناخ محاسبه شده برای همه سنجه‌های ساخته شده در تحقیق حاضر بیش تر از  $0/8$  است و فقط در مورد سنجه دینداری این ضریب  $0/7$  محاسبه شده است.

### روش‌های آماری تجزیه و تحلیل اطلاعات

پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط زندانیان و هم‌تایان آنان در خارج از زندان، ابتدا پردازش اطلاعات؛ شامل ویراستاری، کدگذاری و ورود داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و سپس آنالیز توصیفی و تحلیلی از داده‌ها به عمل آمد. برای توصیف داده‌ها از آماره‌های توصیفی فراوانی، درصد معتبر، تجمعی، میانگین، مد، میانه، واریانس، انحراف معیار استفاده شده است. برای تحلیل داده‌ها نیز متناسب با سطح سنجش متغیرها از آزمون‌های آماری مناسب استفاده شده است. از آزمون مجذور خی و تی تست به ترتیب برای بررسی رابطه ارتکاب

یا عدم ارتکاب جرم با متغیرهای مستقل تحقیق و مقایسه میانگین دو گروه مجرم و غیر مجرم بر روی متغیرهای مستقل استفاده شده است. همچنین از تحلیل رگرسیون لجستیک نیز برای تعیین اثر خالص یا سهم جداگانه تک تک متغیرهای مستقل (با کنترل یا ثابت نگهداشتن سایر متغیرهای مستقل) بر متغیر وابسته استفاده شده است.

### یافته‌های تحقیق:

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که میانگین سنی گروه مجرم ۴۵/۵۴ سال و میانگین سنی گروه غیر مجرم (گروه همتا) ۳۴/۴۷ سال است. از میان ۲۳۷ پاسخگویی که به سوالی در مورد وضع تأهل خود پاسخ گفته اند ۷۳/۴ درصد متأهل هستند و ۲۰/۷ درصد مجرد می‌باشند. درصد خیلی کمی از هر دو گروه مجرم و غیر مجرم نیز دوران نامزدی خود را تجربه می‌کنند و یا به خاطر طلاق یا فوت همسر تنها زندگی می‌کنند. مجرمان اقتصادی محبوس در زندان تا قبل از دستگیری در مشاغل مختلف بخش خصوصی و دولتی در سطح مدیران، رؤسای شعبات بانک‌های دولتی، کارمندان بانک‌های دولتی و کارمندان عادی دولت مشغول به کار بوده اند. ۳۴/۲ درصد از پاسخگویان مجرم دیپلم و ۳۳/۳ درصد لیسانس هستند. به علاوه ۵/۱ درصد از آنان دارای مدرک دکتری و ۷/۷ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد هستند. سطح تحصیلات اعضای گروه غیر مجرم نیز تاحدی به گروه مجرم نزدیک می‌باشد. در زمان جمع آوری اطلاعات ۸۱ درصد از زندانیان مورد بررسی محکوم و ۱۹ درصد دیگر منتظر صدور حکم بوده اند. ۴۰/۹ درصد از زندانیان مورد مطالعه به جرم اختلاس و ۲۱/۳ درصد نیز به جرم کسب مال نامشروع دستگیر و زندانی شده اند. کلاهبرداری، ارتشاء و جعل اسناد نیز به ترتیب ۱۵ درصد، ۱۳/۴ درصد و ۹/۴ درصد از اتهام‌ها یا جرایم زندانیان مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند. با توجه به فضای محدود در مقاله حاضر از بیان روابط دو متغیره صرف نظر کرده و تنها به بیان روابط چندمتغیره با استفاده از رگرسیون لجستیک بسنده می‌کنیم.

### نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک بر روی متغیر وابسته ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم

به منظور محاسبه رگرسیون لجستیک از برنامه آماده آماری برای علوم اجتماعی نسخه ۱۹<sup>۱۳</sup> استفاده شد. در اینجا ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم به عنوان ملاک<sup>۱۴</sup> در نظر گرفته شد. پیش‌بین‌ها<sup>۱۵</sup> نیز عبارت بودند از: درجه لذت جویی، درجه طمع ورزی و دلیل تراشی برای ارتکاب جرم،

13- spss.19.0

14- Criterion

15- Predictors

ادراک فرد در مورد میزان وجود فرصت ارتکاب جرم در محیط کار، میزان نگرانی از سرافکنندگی ناشی از بحران مالی نزد خانواده و آشنایان، میزان ناتوانی در کنترل رفتار خود، درجه خود شیفتگی، ادراک فرد از احتمال کشف جرم و قطعیت و شدت مجازات، سطح جامعه پذیری دینی در محیط خانواده خاستگاه، سطح جامعه پذیری دینی از طریق دوستان صمیمی، از طریق مدرسه، از طریق محله و اجتماع، از طریق برنامه‌های دینی صدا و سیما، از طریق مصرف محصولات فرهنگی مجوز گرفته از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و درجه دینداری. جمعیت نهایی مورد تحلیل شامل ۱۶۱ نفر می‌باشد و ۷۹ پرسشنامه از گردونه تحلیل خارج شده‌اند. دلیل آن این است که در تحلیل رگرسیونی وجود یک سوال بی پاسخ به حذف کلی یک پاسخگو (یک پرسشنامه) از تحلیل رگرسیونی منجر می‌شود به این معنی که اگر یک پاسخگو به یکی از متغیرهای موجود در مدل پاسخ نداده باشد پاسخ وی به سایر متغیرهای موجود در مدل نیز حذف می‌شود. همان گونه که در جدول می‌توان دید مدل تحلیلی مورد استفاده در تحقیق حاضر ۰/۷۵ از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده است. البته ذکر این نکته لازم است که معمولاً «مجذور ناچل کر که» را معادل «آر دو» در رگرسیون خطی می‌دانند اما اصولاً رگرسیون لجستیک چنین معادلی ندارد با این حال عده‌ای از محققان مایل‌اند این گونه معادل سازی کنند یعنی آن را نسبت واریانس تبیین شده توسط متغیرهای مستقل می‌دانند. اگر چنین چیزی را بپذیریم باید بگوییم مدل مورد استفاده در تحقیق حاضر ۰/۷۵ واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده است. به علاوه همان گونه که ضرائب بتا نشان می‌دهند از میان ۱۴ متغیر مستقل یا پیش بین فقط ۶ متغیر به طور معنی داری به لحاظ آماری بر متغیر وابسته اثرگذار بوده‌اند. این شش متغیر عبارتند از: طمع ورزی یا دلیل تراشی برای ارتکاب جرم، ادراک فرد در خصوص وجود فرصت ارتکاب جرم در محل کار، ادراک فرد در خصوص احتمال کشف جرم و قطعیت و شدت جرم، عدم کنترل بر رفتار خود، درجه لذت طلبی و درجه دینداری. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیونی، وجود فرصت ارتکاب جرم اقتصادی در محل کار و دست کم گرفتن احتمال کشف جرم و قطعیت و شدت مجازات مهم‌ترین عوامل موثر یا پیش بینی کننده ارتکاب جرایم اقتصادی محسوب می‌شوند. برخلاف انتظار، نمرات گروه غیر مجرم بر روی چهار متغیر درجه طمع ورزی و دلیل تراشی برای ارتکاب جرم، متغیر درجه کنترل بر رفتار خود، متغیر درجه لذت طلبی و متغیر درجه دینداری بیش از نمرات گروه مجرم بود. به عبارت دیگر گروه غیر مجرم جاه طلب تر، لذت طلب تر، توانا تر به کنترل رفتار خود و دیندار تر از گروه مجرم می‌باشد. در مورد سایر متغیرهای موجود در مدل تحلیلی هیچ تفاوت معنی داری بین گروه مجرم و غیر مجرم مشاهده نشده است. به

این ترتیب هیچ یک از عوامل جامعه پذیری دینی مثل خانواده، دوستان، مدرسه، محله و اجتماع، برنامه‌های دینی صدا و سیما و محصولات فرهنگی مجوز گرفته از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قدرت بازدارندگی یا پیشگیری از جرایم اقتصادی را ندارند.

جدول ۲. نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک روی برآیند دوگانه ارتکاب جرم (۱) و عدم ارتکاب جرم (۰)

دینف	متغیرها	سطح معنی داری	خی دووالد	ضریب بتا
۱	درجه لذت طلبی	۰/۰۱	۵/۸۱	-۰/۴۲
۲	درجه طمع ورزی و دلیل تراشی برای ارتکاب جرم	۰/۰۰۰	۱۵/۹۷	-۰/۲۳
۳	ادراک از وجود فرصت ارتکاب جرم در محیط کار	۰/۰۰۵	۷/۸۷	۰/۱۸
۴	نگرانی از سرافکندگی ناشی از بحران مالی نزد خانواده و دیگران	۰/۱۰	۲/۵۸	۰/۵۳
۵	عدم کنترل بر رفتار خود	۰/۰۴	۴/۰۱	-۰/۰۷
۶	خودشیفتگی	۰/۱۷	۱/۸۴	-۰/۰۵
۷	ادراک از احتمال کشف جرم و شدت مجازات	۰/۰۱	۵/۸۷	-۰/۱۹
۸	سطح جامعه پذیری دینی در محیط خانواده	۰/۶۲	۰/۲۴	۰/۰۴
۹	سطح جامعه پذیری دینی از طریق دوستان صمیمی	۰/۳۳	۰/۹۲	-۰/۰۹
۱۰	سطح جامعه پذیری دینی از طریق مدرسه	۰/۴۷	۰/۵۱	۰/۰۷
۱۱	سطح جامعه پذیری دینی از طریق محله و اجتماع	۰/۴۲	۰/۶۳	۰/۰۹
۱۲	سطح جامعه پذیری دینی از طریق برنامه‌های صدا و سیما	۰/۱۰	۲/۵۷	۰/۱۴
۱۳	سطح جامعه پذیری دینی از طریق محصولات فرهنگی مجوز گرفته از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	۰/۹۰	۰/۰۱	۰/۰۱
۱۴	درجه دینداری	۰/۰۲	۴/۹۹	-۰/۱۸

Nagelkerke R Square=75/0

### بحث و تفسیر نتایج تحقیق:

در این قسمت لازم است به یک سوال کلی و پیامدهای نظری آن‌ها توجه کنیم. اینکه از میان همه عوامل پیش بینی کننده ی ارتکاب جرایم اقتصادی در مدل رگرسیونی تنها دو متغیر ادراک فرد از میزان وجود فرصت ارتکاب جرم در محل کار و ادراک فرد از احتمال کشف جرم، قطعیت و شدت مجازات اثر گذار و تعیین کننده بوده اند چگونه قابل تفسیر است؟ به عبارت دیگر اینکه زندانیان جرایم اقتصادی قبل از دستگیری و محکومیت، افرادی متدین بوده اند ولی دینداری آنان

مانع از ارتکاب جرم اقتصادی توسط آنان نشده است با چه مفهوم یا نظریه ای قابل توضیح است؟ نتایج تحقیق حاضر برای مباحث مربوط به پیشگیری و بازدارندگی از جرایم اقتصادی نیز پیامدهایی به دنبال دارد. این پیامدها را در دو سطح خرد و کلان مطرح می‌کنیم. در سطح خرد نتایج تحقیق حاضر مؤید دو نظریه رقیب یعنی نظریه جامعه شناختی و نظریه اقتصادی جرم است. چرا که پس از آزمون فرضیه بازدارندگی کیفیت جامعه پذیری دینی (میزان قرار گرفتن در معرض پیام‌های دینی عوامل مختلف جامعه پذیری دینی) و میزان دینداری فردی و تعیین سهم و ارزش بازدارندگی آن دو متغیر در مقایسه با سایر عوامل بازدارنده، معلوم شد مدل‌های پیشگیری بیرونی بیش از مدل‌های پیشگیری درونی در تبیین متغیر وابسته یعنی ارتکاب یا عدم ارتکاب جرایم اقتصادی موثر واقع شده‌اند. در این تحقیق معلوم شد که قرار گرفتن در معرض پیام‌های دینی عوامل مختلف جامعه پذیری دینی و همچنین درجه دینداری قدرت بازدارندگی از ارتکاب جرایم اقتصادی را ندارند. به عبارت دیگر در این تحقیق مشخص شد که رابطه بین دو متغیر مستقل (عوامل مختلف جامعه پذیری دینی و درجه دینداری) و متغیر وابسته (ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم) پس از افزودن کنترل‌های سکولار (مثلاً ادراک فرد از احتمال کشف جرم و شدت مجازات، درجه لذت جویی، درجه خودشیفتگی، درجه کنترل نفس، ادراک فرد از وجود فرصت ارتکاب جرم در محیط کار، میزان ترس از سرافکنندگی نزد خانواده و دیگران به دلیل مشکلات مالی، میزان طمع ورزی و دلیل تراشی برای ارتکاب جرم) به مدل تحلیلی تحقیق پایدار باقی نمی‌ماند. حال سؤال این است که چرا چنین است؟ چرا با وجود مذموم بودن فساد در نظام اعتقادی و اخلاقی جامعه کنونی ایرانی و به رغم دینداری کنشگران سیاسی و اقتصادی در کشور نرخ شیوع انواع جرایم اقتصادی در میان آنان بالا است؟ به نظر می‌رسد دو پاسخ متفاوت ولی مرتبط به هم به این سؤال می‌توان داد. یکی به اقتصاد سیاسی فساد در کشور مربوط می‌شود و دیگری به روند عرفی شدن در سطح فردی. شواهد حاکی از آن است که نوعی عرفی شدن حیات اقتصادی یا به تعبیری دیگر جدایی بین حوزه دینداری از حوزه فعالیت‌های اقتصادی در جامعه ایران در حال وقوع است. کاظمی و فرجی به خوبی این جدایی را توضیح داده‌اند:

«به لحاظ نهادی، افراد تا اندازه‌ای از نهادهای دینی اظهار استقلال می‌کنند. بالاخص سلايق سیاسی و اجتماعی خود را موکول به صدور احکام نهادهای دینی نمی‌کنند. در این حوزه‌ها که قلمرو کنش‌های عقلانی است افراد بر اساس محاسبات عقلانی خود عمل می‌کنند. به این معنا ما در سطح فردی عرفی شده ایم اما در همین سطح هم عرفی شدن مسیر کندی را طی می‌کند. در سطح

نمادهای دینی می‌توانیم بگوییم که جامعه ما عرفی نشده است و به اندازه زیادی دینی است. ... افراد در عرصه اقتصاد و سیاست بر اساس محاسبات عقلانی و سود شخصی کنش می‌کنند. کنش استراتژیک در پی به حد اکثر رساندن سود در عرصه اقتصاد و به حد اکثر رساندن سلطه و قدرت در عرصه سیاست است. اما کنش دینی نوعی کنش ارتباطی است که از سر مفاهمه، عشق، عاطفه، حس حقیقت جویی و درک معناداری صورت می‌گیرد. ... ما عموماً از دینداری که عمل دینی انجام می‌دهند (صدقه دادن، نماز جماعت گزاردن، ظاهر دینی داشتن) انتظار داریم که کنش‌های زبانی و عملی آن‌ها بر اساس نیت منفعت طلبانه یا سود شخصی یا قدرت طلبی نباشد. چرا که دینداران با خدا معامله می‌کنند نه با حاکمان این دنیایی. به این معنا افراد قاعداً باید میان کنش‌های عقلانی-ابزاری با کنش‌های عقلانی-ارزشی خود تفکیک قایل شوند. کنش‌های افراد اگر چه در سطح استراتژیک کاملاً عرفی می‌شوند اما این به معنای غیر دیندار شدن افراد نیست. فرد سرمایه داری که در تعاملات اقتصادی خود عقلانی و حسابگرانه عمل می‌کند اما در عین حال صدقه می‌دهد یا سالانه برای برنامه‌های مذهبی هزینه می‌کند، نمونه‌ای از این موارد است (کاظمی و فرجی، ۱۳۸۲: ۲۶۳ و ۲۶۵).

در همین سطح تحلیل خرد، نتایج تحقیق حاضر موید دو نظریه جامعه شناختی و نظریه اقتصادی جرم می‌باشد. فرصت ارتکاب جرم که در نظریه جامعه شناختی ساترلند مورد تاکید واقع شده است یکی از مولفه‌های اصلی نظریه جامعه شناختی جرم است. به زعم ساترلند رفتار مجرمانه رفتاری فراگرفتنی است. چنین رفتاری در محیط‌هایی رخ می‌دهد که انجام رفتار مجرمانه بیش از احترام و عمل به قانون، مفید پنداشته می‌شود (Sutherland, 1949). برای آنکه جرمی به وقوع بپیوندد یک وضعیت یا فرصت لازم است. وضعیت‌ها و فرصت‌هایی از این نوع به نحوه سازمان دهی زندگی کاری و تجاری مربوط می‌شود. عملکرد نظام‌های نظارتی هم نقش مهمی در پدید آمدن یا نیامدن این فرصت‌ها ایفا می‌کنند مثلاً پدیده فرار از مالیات را می‌توان با سطح فرصت‌های موجود برای طفره رفتن از پرداخت مالیات تبیین کرد. وقتی چنین فرصت‌هایی به خاطر اعمال تدابیر لازم کاهش یابد میزان فرار از مالیات هم کاهش می‌یابد. کلمن با توجه به وجود فرهنگ رقابتی در جامعه مدرن استدلال می‌کند که روند جرم در حوزه تخلفات و جرایم اقتصادی عمدتاً نتیجه پیدایش فرصت‌های جذاب برای ارتکاب جرم است تا تفاوت بین افراد در سطح انگیزش (Coleman, 2001).

به علاوه نتایج تحقیق حاضر مؤید اهمیت یکی دیگر از بازدارنده‌های بیرونی است. بازدارنده‌های بیرونی بر یک نظریه کلاسیک جرم شناسانه بنا شده اند که بر مبنای آن مجازات‌های شدید یا

ناخوشایند افراد را از ارتکاب جرم باز می‌دارند. مدل پیشگیری وضعی از جرم چنین استدلال می‌کند که نرخ بروز جرم تابع هزینه و فایده ادراک شده از سوی مجرم و درجه عقلانی جلوه دادن آن است. به منظور افزایش هزینه ادراک شده، باید تلاش ادراک شده برای ارتکاب جرم را افزایش داد، ریسک یا مخاطرات ادراک شده و یا احتمال دستگیر شدن را بالا برد. به منظور تقلیل مزایای ادراک شده، باید پاداش‌های مورد انتظار مترتب بر ارتکاب جرم را کاهش داد. در مجموع هزینه‌ها و فایده‌های ادراک شده به فایده خالص ادراک شده از سوی مجرم منجر می‌شود که این خود بر احتمال وقوع عمل مجرمانه اثر می‌گذارد. رابطه بین فواید خالص و احتمال کنش مجرمانه تحت تأثیر توانایی مجرم در عقلانی پنداشتن رفتار مجرمانه است. نکته مهم در نظریه پیشگیری محیطی از جرم این است که تصمیم شبه عقلانی مجرم تابع مزایا یا منافع خالص ادراک شده است. اگر تدابیر و اقدام‌ها پیشگیری از جرم هزینه‌های ادراک شده را افزایش ندهد و مزایای ادراک شده را کاهش ندهد بر طبق نظریه انتخاب عقلانی، جرم رخ خواهد داد. اما اگر این اقدام‌ها و تدابیر پیشگیرانه بتواند هزینه ادراک شده را بالا ببرد و مزایا و منافع ادراک شده را تقلیل دهد در این صورت منافع خالص ادراک شده از سوی مجرم کاهش می‌یابد و در نتیجه فرد از ارتکاب جرم خودداری می‌کند (Beebe & Rao, 2005: 13).

با این حال، ادراک افراد از احتمال دستگیری و همچنین ادراک آنان از فرصت‌های ارتکاب جرم در خلا شکل نمی‌گیرد و قطعاً دارای زمینه‌های نهادی در جامعه است. به عبارت دیگر دو عامل فوق‌الذکر خود تحت تأثیر زمینه‌های سیستمی فساد هستند جایی که عوامل کلان یا ساختاری، شرایط و زمینه‌های ارتکاب فساد را فراهم می‌کنند. آنچه که در سطح تحلیل خرد بدان‌ها پرداخته ایم صرفاً بر آیند یا بازتابی از وضعیت فعلی نهادهای حقوقی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور و عملکرد آن‌ها محسوب می‌شود. یافته‌های تحقیق در سطح خرد ما را به نظریه دیگری در سطح کلان رهنمون می‌سازند و آن نظریه انتخاب عمومی است. این نظریه از سوی جیمز بوچانان و گوردون تولاک (۱۹۶۲) و آنتونی داونز (۱۹۵۷) و ویلیام نیسکانن (۱۹۷۱) ترویج یافته است.

این نظریه هم توانایی تبیین تئوریک فساد را دارد و هم از دل آن می‌توان تجویزها و توصیه‌هایی راهگشا استخراج کرد. راهکارهای پیشنهادی بر اساس نظریه انتخاب عمومی برای مبارزه با فساد جنبه پیشگیرانه دارد و اگر برنامه ملی مبارزه با فساد بر اساس این نظریه تدوین شود از شکل‌گیری انگیزه رانت جویی و رفتارهای فرصت طلبانه پیشگیری خواهد شد. بنابراین صرف بر خورد قاطع و قهر آمیز با مفسدان اقتصادی مانع گسترش رانت جویی و فساد نشده و نخواهد شد. از بین بردن

فرصت‌های پیدایش فساد باید در دستور کار نهادهای ذی ربط قرار گیرد. به عبارت دیگر فساد، سیستمی عمل می‌کند و ناشی از مشکلات ساختاری است و به جای تعقیب افراد که به جای خود مهم است تغییر نظام‌های اداری باید در اولویت دستگاه‌های مبارزه با فساد قرار گیرد. فساد مساله‌ای مرتبط با قواعد است. برنان و بوچانان استدلال کرده‌اند که قواعد، ماهیت تعامل افراد در جامعه را تعیین می‌کنند، ابزار لازم برای حل اختلافات از طرق مسالمت آمیز را فراهم می‌کنند، اطلاعات لازم را به مشارکت کنندگان در بازار ارایه می‌کنند و امکان پیش بینی رفتار دیگران را به ما می‌دهند و امکان کنترل رفتار افراد و گروه‌های مختلف را فراهم می‌کنند. از آنجایی که قواعد، ساختار محرک‌ها و انگیزه‌های اهالی بازار را تعیین می‌کنند لذا هر تلاشی برای مبارزه با فساد و سایر اشکال فرصت طلبی (مثل رانت جویی) باید از اصلاح قواعد شروع شود به نحوی که اقتصاد با قواعد جدیدی اداره شود و جلوی رفتارهای فرصت طلبانه را بگیرد (Brennan and Buchanan, 1985).

از این گذشته لازم است در کنار تلاش‌هایی که برای کشف جرم صورت می‌گیرد به این موضوع هم توجه شود که ممانعت از وقوع جرم مقدم بر کشف جرم و مجازات مجرم است. به عبارت دیگر برای پیشگیری از جرم باید از طریق تدابیر محیطی و حمایتی (یعنی عوامل وضعیتی) بر فرآیند تصمیم‌گیری مجرم اثر گذاشت به نحوی که هم بتوان بر امکان عملی بروز رفتار مجرمانه و هم بر انگیزه رفتار مجرمانه اثر گذاشت. در غیر این صورت فساد در زمینه مستعد آن مستمراً باز تولید خواهد شد.

#### منابع:

- پویافر، محمد و سیدحسین سراج‌زاده (۱۳۸۸). سنجش دینداری با استفاده از رهیافت بومی. فصلنامه تحقیقات علوم اجتماعی. سال اول شماره ۲. بهار.
- دادخدایی، لیلا (۱۳۸۹). مفهوم جرم اقتصادی و تحولات آن، تعالی حقوق، سال دوم، شماره ۶، مرداد و شهریور. صص. ۴۵-۶۹.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دینداری در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم شماره ۱، صص: ۶۶-۳۴.
- وریج کاظمی، عباس و فرجی، مهدی (۱۳۸۲). عرفی شدن و زندگی روزمره. نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱، مهر، صص: ۲۶۹-۲۴۳.

معاونت آموزش قوه قضاییه (۱۳۸۷). سیاست جنایی - تقنینی ایران در جرایم اقتصادی، تهران: انتشارات جاودانه.

مومنی، فرشاد (۱۳۹۲). قفل فساد را کلید شفافیت باز می کند. ماهنامه سیاسی-فرهنگی نسیم بیداری، سال چهارم، شماره ۳۵، صص: ۷۹-۸۳.

Becker, Gary S. (1968) Crime and Punishment: An economic Approach. Journal of political economy, Vol.76, No. 2, pp.169-217.

Beebe, Nicole Lang, & Rao, V.srinivasan (2005) using situational; crime prevention theory to explain the effectiveness of information systems security, proceedings of the 2005 soft wars conference, Lasvegas, NV, Dec.2005.

Blickle, Gerhard; Schlegel, Alexander; Fassbender, Pantaleon; and Klein, Uwe (2006) some personality correlates of business white-collar crime, applied psychology: An international review, Vol. 55 (2), pp: 220-233.

Brennan, Geoffrey, and Buchanan, James M. (1985) the reason of rules: constitutional political economy. Cambridge, UK: Cambridge University Press.

Bryman, A. and Cramer, D. (1990) Quantitative data analysis for social scientists. UK: Routledge.

Buchanan, James M. and Tulloch, Gordon (1965) the calculus of consent: Logical Foundations of Constitutional Democracy, The university of Michigan Press.

Chavez, Mark (2010) Rain dances in the dry season: Overcoming the religious congruence fallacy, Journal for the scientific study of religion, Vol. 49, No. 1, pp. 1-14.

Clark, Ronald. V. (1980) Situational crime prevention: Theory, and practice, British Journal of Criminology, 20, pp.136-147.

Coleman, James William (2001) The causes of white-collar crime and the validity of explanation in the social sciences, In Lindgren, Sven-Ake (ed) White-collar crime research, old views and future potentials: lectures and papers from a Scandinavian seminar. National Council for crime prevention, Sweden. Pp. 55-68.

Collins, J.M, and Schmidt, F.L. (1993) Personality, integrity, and white-collar crime: A construct validity study. Personnel Psychology, 46, pp. 295-311.

Cornish, D., & Clarke, R. (1987). Understanding crime displacement: An application of rational choice theory. *Criminology*, 25(4), 933-947.

Dane, Francis c. (2011) *Evaluating research: Methodology for people who need to read research*, UK: sage Publications.

-Downers, Anthony (1957) *An economic theory of democracy*, New York: Harper and Brothers

Gottfredson, Michael R. and Hirschi, Travis (1990) *A general theory of crime*. Stanford: Stanford University Press.

Harris, Mark A. (2003). Religiosity and perceived future ascetic deviance and delinquency among Mormon adolescents: Testing the 'this-worldly' supernatural sanction thesis. *Sociological Inquiry* 73(1), 28-51.

Hirschi, Travis, and Stark, Rodney (1969) Hellfire and delinquency. *Social Problems*, No. 17, pp. 202-213.

H'madoun, Maryam (2011) *Afraid of God or afraid of man: how religion shapes attitudes toward free riding and fraud*, Department of Economics, University of Antwerp. Antwerp, Belgium.

Montinola, Gabriella R. and Jackman, Robert W. (2002) Sources of Corruption: A Cross-Country Study, *British Journal of Political Science*, Vol. 32, No. 1 (Jan., 2002), pp. 147-170.

Nelken, D. (1997) "White-Collar Crime", in M. Maguire, R. Morgan, R. Reiner (eds), *The Oxford Handbook of Criminology*, Clarendon Press, Oxford, pp. 898-890.

-Niskanen, William A. (1971) *Bureaucracy and representative government*: Chicago & New York: Aldine-Atherton, Inc.

Savona, E.U. (1998) "Economic Crime in Europe. Analysis of the Interdependencies among Fraud, Money Laundering and Corruption", paper presented at the International Conference on Economic Crime in Europe. Interdependencies among Fraud, Money Laundering and Corruption. Analysis and Responses, Trento (Italy), 22-23 October.

Sherkat, Darren and Ellison, Christopher G. (1999) Recent developments and current controversies in the sociology of religion, *Annual Review of Sociology*, Vol. 25, pp. 363-394.

Sutherland, Edwin H. (1949) *White Collar Crime*, New York: Holt, Rinehart & Winston.